

شنبه 28 دی 1398 - 22 جمادی الاول 1441 - 18 ژانویه 2020

پیشنهاد "بختیار" به حضرت امام خمینی (ره) درباره تشکیل شورای حکومت ملی (1357 ش)



پیشنهاد "بختیار" به حضرت امام خمینی (ره) درباره تشکیل شورای حکومت ملی (1357 ش)، شاپور بختیار نخست وزیر رژیم پهلوی در نامه‌ای به امام خمینی پیشنهاد کرد تا برای تغییر حکومت به یک رژیم جمهوری، شورای سلطنت وقت به شورای حکومت ملی تغییر نام دهد و سپس این شورا، اختیارات خود را به شورای اسلامی منتخب امام، منتقل نماید. اما به سبب این که پذیرش طرح بختیار موجب به رسمیت شناختن شورای سلطنت بود، امام خمینی آن را نپذیرفت. همچنین حضرت امام در پیامی خطاب به ملت انقلابی ایران، درباره توطئه دشمنان برای ایجاد نفاق و تفرقه در بین مردم، هشدار دادند.

وفات آیت الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت، خاتم العارفین (1430 ق)، در خانواده ای دین دار و تقوایی، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان چشم به جهان گشود. هنوز شانزده ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید. درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان ایشان نقل شده است: «پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمدتقی است. تا این که با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته است اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد. چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد. بعد از ازدواج، نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سوم را خدا به او می دهد، اسمش را محمدحسین می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد و وی را «محمدتقی» نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود تا این که سرانجام پنجمین فرزند را دوباره «محمدتقی» نام می گذارد، و بدین سان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.» کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قبالة ها به گواهی او می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مرثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شعر می سروده، مرثیه های جان گذاری که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبان زد مداحان آن سامان است. آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سیدالشهداء علیه السلام بود و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن، بار آمد. از همان کودکی از بازی های کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود و عشقی فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیاورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ق هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت، به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید. بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظم له خود به مناسبتی فرمودند: «بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلف شدم.» آری! دست تربیت حضرت رب سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگسالی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی می ماند و از فیوضات سیدالشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت، بخش معظمی از کتاب های فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر می خواند. در سال ۱۳۵۲ ق برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف می گردد و قسمت های پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقاشیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همت او تنها مصروف علوم دینی نبوده بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان نآرام او را به جست وجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وامی داشته است. آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سیدابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و میرزای نائینی، به حوزه گران قدر و پرمحتوای آیت حق حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به غروی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی - که دارای فکری سریع و جوال و متحرک و همراه با تیزبینی بوده است - بهره ها برد. آیت الله بهجت در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکمال معنوی همت گمارده و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی برآمده و به

وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. پس از مشرف شدن به نجف اشرف، از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی (غروی) استفاده های اخلاقی می نماید. هم چنین در درس های اخلاقی آقا سیدعبدالعفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده تا این که در سلک شاگردان حضرت آیت الله سیدعلی قاضی درآمده و درصدد کسب معرفت از ایشان برمی آید، و در ۱۸ سالگی به محضر پرفیض عارف کامل حضرت آیت الله سیدعلی آقای قاضی بار می یابد و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را برمی انگیزد. ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۲۶۳ق (موافق با ۱۲۲۴ش) به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً درحالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام و اطلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند. در قم از محضر آیت الله العظمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقیه سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد و هم چون حضرات آیات عظام امام خمینی (ره)، گلپایگانی و... به درس فقیه سعید مرحوم بروجردی حاضر شد. آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام: اصفهانی، غروی و شیرازی حضور می یافت ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالییه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می داد. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توان گفت که آیت الله بهجت بیش از چهل سال به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرد و فضلالی گران قدری سالیان دراز از محضر پرفیض ایشان بهره بردند. آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول می باشد که خود برای چاپ اکثر آن ها اقدامی نکرد و گاه به کسانی که می خواستند آن ها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی داد و می فرمود: «هنوز بسیاری از کتاب های علمای بزرگ سال هاست که به گونه خطی مانده، آن ها را چاپ کنید، نوبت این ها دیر نشده است.» برخی تألیفات معظم له عبارت اند از: یک دوره کامل اصول، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری و تکمیل آن تا آخر مباحث مربوط به مکاسب و متاجر، دوره کامل طهارت، دوره کامل کتاب صلاة، دوره کامل کتاب زکات، دوره کامل کتاب خمس و حج، حاشیه بر کتاب ذخیره العباد مرحوم شیخ محمدحسین غروی، تقریباً یک دوره فقه فارسی، حاشیه بر مناسک شیخ انصاری و... با این که ایشان فقیهی شناخته شده بود، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز زد. تا این که بعد از فوت سیداحمد خوانساری، جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشت و پیش از فوت مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی اراکی، اجازه نشر رساله عملیه خویش را داد. سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از جمله حضرت آیت الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی، آیت الله جوادی آملی و... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال درخواست های مصرانه و مکرر راضی شد تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزید. مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت فومنی سرانجام در ساعت ۱۵:۳۰ روز یکشنبه بیست و دوم جمادی الاولی سال ۱۴۳۰ هجری قمری (برابر با بیست و هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ش) چشم از جهان فروبست.

تولد "فردریک لوفر" میکروب شناس، آلمانی (۱۸۵۲م) فردریک لوفر میکروب شناس و محقق آلمانی، در ۱۸ ژانویه ۱۸۵۲م به دنیا آمد. وی علی rlm&، رغم فقر مالی خانواده rlm&، اش به تحصیلات خود ادامه داد و پس از پایان تحصیل در انیستیتو پزشکی به کار و تحقیق مشغول گردید. لوفر در سال ۱۸۸۰م با کمک همکارش موفق به کشف عامل بیماری دیفتری شد و نام این باسیل در علم پزشکی به نام باسیل لوفر ثبت گردید. فردریک لوفر سرانجام در سال ۱۹۱۵م در ۶۳ سالگی درگذشت.

کپیتان جیمز کاک، "توسط کاپیتان جیمز کاک" انگلیسی، (۱۷۷۸م) ۲۳۳ سال پیش در روز ۱۸ ژانویه سال ۱۷۷۸ میلادی کاپیتان جیمز کاک، دریانورد و کاشف بزرگ انگلیسی در جریان سومین سفر بزرگ اکتشافی خود، جزایر هاوایی را در اقیانوس آرام کشف کرد. کاپیتان کاک هاوایی را کشف کرد اما این کشف جدید برای او خوش یمن نبود و موجب شد سومین سفر اکتشافی این دریانورد بزرگ آخرین سفرش محسوب شود. کاپیتان کاک در سومین سفر اکتشافی خود تصمیم گرفته بود مناطق شمالی اقیانوس آرام را اکتشاف کند. او در ماه ژوئیه سال ۱۷۷۶ میلادی با دو کشتی رزولیشن و دیسکاوری بندر پلیموت انگلستان را ترک کرد. کاپیتان کاک پس از رسیدن به جزیره تاهیتی که در سفرهای قبلی خود با آن آشنا شده بود راه شمال اقیانوس آرام را در پیش گرفت و در سر راه جزایر ساندویچ «هاوایی امروزی» را کشف کرد، سپس به مسیر خود ادامه داد و به سواحل آلاسکا رسید. کاک با کشتی های خود طول سواحل آلاسکا را پیمود و به تنگه برینگ رسید. در این ناحیه قطعات یخ راه او را سد کردند. کاک برای سپری کردن زمستان به جزایر هاوایی بازگشت. کاپیتان کاک در بازگشت به جزایر هاوایی با استقبال بومیان روبرو شد. اما اندکی بعد به دلیل رفتارهای ناشایست ملوانانش خشم بومیان این جزایر برانگیخته شد. کاپیتان کاک هنگامی که قصد تنبیه بومیان را داشت در روز ۱۴ فوریه سال ۱۷۷۹ میلادی اندکی بیش از یکسال پس از کشف هاوایی به ضرب چاقوی یک بومی به قتل رسید. به این ترتیب در روز ۱۸ ژانویه سال ۱۷۷۸ میلادی کاپیتان جیمز کاک مجمع الجزایر هاوایی را در شمال اقیانوس آرام کشف کرد. اما این کشف برای او خوش یمن نبود و حدود یکسال بعد در همین منطقه

کشته شد و سفرهای اکتشافی او ناتمام ماندند.